

مقاله پژوهشی

رابطه میان سبک‌های شناختی نوگریز-نوگرا با اهمال کاری تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

The Relationship Between Traditionalism-Modernist Cognitive Styles With Academic Procrastination And Students' Academic Achievement

حسین جناآبادی^{۱*}، نرجس جوادیان^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۰۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۲۸

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه میان سبک‌های شناختی نوگریز-نوگرا با اهمال کاری تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان انجام شد.

روش: روش پژوهش توصیفی-همبستگی است. جامعه پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر زابل است که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ مشغول به تحصیل هستند. گروه نمونه آماری شامل ۳۴۹ نفر از دانش‌آموزان است که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه سبک‌های شناختی کرتون و پرسشنامه اهمال کاری تحصیلی سولومون و راث بلوم پاسخ دادند. شاخص پیشرفت تحصیلی معدل بود. داده‌های حاصل به وسیله آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک‌های شناختی نوگریز-نوگرا و اهمال کاری تحصیلی و مؤلفه‌های آن رابطه معکوس معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/01$)، بین سبک‌شناختی نوگریز و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت معنی‌داری مشاهده گردید ($P < 0/01$)، اما بین سبک‌شناختی نوگرا و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود نداشت ($P > 0/01$). نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که سبک‌های شناختی می‌توانند ۵۲/۲ درصد از اهمال کاری تحصیلی دانش‌آموزان را تبیین کنند ($P < 0/01$). از بین سبک‌های شناختی، فقط سبک‌شناختی نوگریز توانست ۲۱/۳ درصد از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را تبیین کند ($P < 0/01$).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت سبک‌های شناختی با اهمال کاری تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه دارند و می‌توانند آن‌ها را پیش‌بینی کنند.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های شناختی نوگریز-نوگرا، اهمال کاری تحصیلی، پیشرفت تحصیلی.

۱. استاد، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

Email: hjenaabadi@ped.usb.ac.ir

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه

سبک‌شناختی^۱ عبارتست از تفاوت‌های فردی که در یادگیری کلاسی تأثیر می‌گذارد. سبک‌های شناختی یادگیری شیوه نسبتاً ثابتی است که افراد با استفاده از آن‌ها اطلاعات را دریافت، سازمان‌دهی و مفهوم می‌بخشند (سیف، ۱۳۹۹). سبک‌شناختی یک فرد، رویکرد ترجیحی و عاداتی او برای ادراک، سازمان‌دهی و بازنمایی اطلاعات است.

سبک‌شناختی سازمان و چارچوب روان‌شناختی فرد را نمایان می‌سازد و مبنای جسمانی دارد. باین‌وجود، شخص از نوع و کارکرد سبک‌شناختی خود اطلاع و آگاهی درست و دقیقی ندارد، زیرا او سبک فرد دیگری را تجربه نکرده است. سبک‌های شناختی به نظر و نگاه افراد نسبت به رویدادها، آرا و اندیشه‌ها، نظارت و کنترل دارند و بر اینکه چگونه یک فرد پیرامون وقایع زندگی خود می‌اندیشد، تصمیم‌گیری می‌کند و واکنش نشان می‌دهد، اثر می‌گذارند (رایدینگ^۲، ۲۰۰۲). اسمیت^۳ (۲۰۰۱) سبک‌شناختی را نشان‌دهنده پلی بین دو حیطه متمایز از بررسی روانشناسی یعنی شناخت و شخصیت می‌داند.

سبک‌های شناختی به چگونگی ادراک، به‌خاطر سپاری و حل‌مسئله یادگیرنده اشاره می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، سبک‌های شناختی، شیوه‌های نسبتاً ثابتی هستند که فرد با استفاده از آن‌ها، اطلاعات را دریافت و سازمان‌دهی کرده و مفهوم می‌بخشد (کدیور، ۱۳۹۸). سبک‌های شناختی از نظر ویتکین^۴ و همکاران (۲۰۰۳) روش‌هایی هستند که یک فرد برای نزدیک شدن به طیف وسیعی از موقعیت‌ها به‌کار می‌برد. سبک‌شناختی روشی است که یادگیرنده به کمک آن اطلاعات را پردازش می‌کند و انواع مختلفی دارد مانند سبک‌شناختی وابسته‌به‌زمینه و مستقل‌اززمینه، کلی‌نگر و تحلیل‌نگر، تکانشی و تأملی (اونیکورا^۵، ۲۰۱۵). حسینی نسب و همکاران (۱۳۸۵)، در پژوهشی به این نتایج رسیدند که بین سبک‌های شناختی با توجه به عوامل شخصیتی تفاوت وجود دارد. بین شیوه‌های یادگیری با توجه به جنسیت و گروه‌های تحصیلی تفاوت وجود دارد.

سبک‌شناختی بر گرایش و نگرش شخص نسبت به دیگران و شیوه برقراری ارتباط با آنان مؤثر است. سبک‌شناختی در حساسیت و واکنش نشان دادن به اطلاعات، محرکات و موقعیت‌ها به شیوه خودجوش و خودکار عمل می‌کند. فرد قادر به روشن یا خاموش کردن سبک‌شناختی خود نیست، ولی با آگاهی از نوع سبک خود، می‌تواند راهبردها و روش‌هایی را بیاموزد تا به کمک آن‌ها از حداکثر نقاط قوت و مزیت سبک خود بهره‌برد و نکات ضعف و محدودیت‌ها را به حداقل برساند (اسدزاده، ۱۳۹۲).

-
1. Cognitive style
 2. Riding
 3. Smith
 4. Witkin
 5. Onyekuru

یکی از معروفترین سبک‌های یادگیری سبک‌شناختی نوگریز-نوگرا است. کرتون^۱ (۱۹۸۹) سبک‌های شناختی نوگریز و نوگرا را به‌عنوان یک شیوه و ترجیح افراد در چگونگی برخورد با تغییر و تحولات، حل مسائل، تصمیم‌گیری‌ها و استفاده از قوهٔ خلاقیت‌شان مطرح کرد (اسدزاده، ۱۳۸۴). نظریهٔ نوگرا-نوگریز کرتون، اساساً می‌کوشد تا وجود دو سبک تصمیم‌گیری و حل‌مسأله را در افراد توصیف و تبیین کند، تا دو سطح تصمیم‌گیری و حل‌مسأله. به اعتقاد کرتون، هر فردی خلاق است، اما به راه‌ها و شیوه‌های مختلف خلاقیت خود را ابراز می‌کند. همچنین خلاقیت را زیربنای حل‌مسأله، تصمیم‌گیری و نوآوری می‌داند (اسدزاده، ۱۳۸۴). به اعتقاد کرتون، افراد نوگریز یا پذیرنده تمایل دارند کارها و وظایف خود را همواره به نحو بهتری انجام دهند در صورتی‌که افراد نوگرا می‌کوشند با نوآوری کارها را به گونه متفاوت انجام دهند. به‌بیان‌دیگر افراد نوگریز فضا و بستر مسائل موجود را پذیرفته و در ارائه راه‌حل و تصمیم‌گیری‌ها غالباً شیوه‌های معمول را اتخاذ می‌کنند در حالی‌که افراد نوگرا، زمینه مسائل موجود را به چالش می‌کشند و سعی دارند راه‌حل‌های تازه ارائه دهند.

بدون تردید اهمال‌کاری تحصیلی^۲ و پیشرفت تحصیلی^۳ از مسائل مهمی هستند که در تحقق اهداف تعلیم‌وتربیت در مدارس، دانشگاه‌ها و محیط خانواده نقش بسزایی دارد، درحالی‌که به نظر می‌رسد امروزه در نظام‌های آموزشی و برنامه‌ریزی سطح کلان، مورد غفلت واقع شده است (خزایی، ۱۳۹۱).

بروز رفتار تعلل‌ورزی یا همان اهمال‌کاری تحصیلی در دانش‌آموزان تحت تأثیر عوامل مختلفی در قالب تأخیر در انجام تکالیف و به‌تعویق‌انداختن مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود را نشان می‌دهد. میزان بروز و شیوع این نوع رفتار در دانش‌آموز بسته به میزان شدت و اثر عوامل ایجادکننده یا تسهیل‌کننده آن و نیز ویژگی‌های شناختی در افراد مختلف به صورت‌های متفاوتی نمایان می‌شود. تأخیر در انجام کارها چیزی فراتر از پرهیز از انجام کارهاست. به‌نظر می‌رسد در اثر اهمال‌کاری، کاری را که تصمیم به اجرای آن گرفته شده و آن کار حداقل می‌تواند در آینده برای فرد نتایجی دربرداشته باشد بدون دلیل به آینده محول می‌شود اما در عین حال عدم انجام آن نیز به زیان فرد است (خزایی، ۱۳۹۱).

وجود اهمال‌کاری تحصیلی در میان جوامع موضوع تازه‌ای نیست. به اعتقاد استیل^۴ (۲۰۰۷) اهمال‌کاری حدود چهل سال است موضوع داغ روانشناسی بوده و به‌طورکلی پیشینه آن به ۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد. ویلیام جیمز نیز ۱۲۰ سال پیش اهمیت روان‌شناختی آن را شناسایی

1. Kirtons
2. Academic procrastination
3. Academic achievement
4. Steel

کرده‌بود (کلاسن، کراوکوک، و رجان‌ی^۱، ۲۰۰۸). این سازه در دهه‌های اخیر مورد علاقه روانشناسان قرار گرفته با این حال از آنجا که در خصوص اهمال‌کاری پژوهش‌های زیادی انجام نگرفته در حال حاضر به‌ویژه در جامعه ما دانسته‌های موجود درباره این سازه کافی به نظر نمی‌رسد (ستایشی‌اظه‌ری، میرنسب و محبی، ۱۳۹۶).

از سویی دیگر، مفهوم یادگیری و پیشرفت تحصیلی از مفاهیم بسیار اساسی روانشناسی تربیتی می‌باشد. در همین راستا، موفقیت تحصیلی و عوامل مؤثر بر آن موضوعی است که همواره مورد توجه روانشناسان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت بوده است. چرا که بهبود کیفیت آموزشی و سرمایه‌گذاری بر روی منابع آموزشی و انسانی از عوامل مؤثر در توسعه همه جانبه کشورها محسوب می‌شود. در همین راستا، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نیز از اهداف اساسی برنامه‌های آموزشی است. زیرا دانش‌آموزان به واسطه پیشرفت تحصیلی به جایگاهی دست می‌یابند که از استعدادها و توانایی هایشان برای دستیابی به اهداف آموزش و پرورش استفاده نموده و شرایط اجتماعی موفقیت‌آمیزی را ایجاد می‌کنند. بنابراین یافتن شرایط، عوامل و روش‌های مؤثر در جهت پیشرفت تحصیلی از جمله موضوعات مورد علاقه پژوهشگران و صاحب‌نظران علوم تربیتی بوده است (ریدگل و لونسبوری^۲، ۲۰۰۴).

سبک‌های شناختی با انگیزش پیشرفت تحصیلی در ارتباطاند (حبیبی، بشرپور، فلاحی و صفایی، ۱۳۹۴). منظور از پیشرفت یا انگیزش؛ موفقیت، میل یا اشتیاق برای کسب موفقیت و شرکت در فعالیت‌هایی است که موفقیت در آنها به کوشش و توانایی شخص وابسته است (اسلاوین، ۱۳۹۳). منظور از پیشرفت تحصیلی یا موفقیت تحصیلی، میل یا اشتیاق برای کسب موفقیت و شرکت در فعالیت‌های آموزشی و تحصیلی است که موفقیت در آنها به کوشش و توانایی شخص وابسته است (مؤمنی مهمویی و بارزازی، ۱۳۹۵).

بنابر آنچه بیان گردید، هدف پژوهش حاضر تبیین رابطه میان سبک‌های شناختی نوگریز- نوگرا با اهمال‌کاری تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهر زابل است. لذا فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین شده است:

۱. بین سبک‌های شناختی نوگریز- نوگرا و اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۲. بین سبک‌های شناختی نوگریز- نوگرا و مؤلفه‌های اهمال‌کاری تحصیلی رابطه وجود دارد.
۳. بین سبک‌های شناختی نوگریز- نوگرا و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۴. سبک‌های شناختی نوگریز- نوگرا می‌توانند اهمال‌کاری تحصیلی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کنند.
۵. سبک‌های شناختی نوگریز- نوگرا می‌توانند پیشرفت تحصیلی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کنند.

1. Klassen, Krawchuk & Rajani
2. Ridgell, Lounsbury

۲. روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است.

۱-۲. جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر زابل تشکیل می‌دهند که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ مشغول به تحصیل هستند. نمونه این پژوهش با توجه به متغیرها و مؤلفه‌های آن‌ها شامل ۳۴۹ نفر دانش‌آموز بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به این صورت که فهرست مدارس مقطع متوسطه دوم شهر زابل تهیه شد و با انتخاب ۶ مدرسه به صورت تصادفی، از هر مدرسه دو کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد و دانش‌آموزان به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند.

۲-۲. ابزار پژوهش

ابزار پژوهش برای گردآوری اطلاعات به شرح زیر بود:

پرسشنامه سبک‌های شناختی (KAI)^۱: این پرسشنامه توسط کرتون (۱۹۹۹، ۲۰۰۳) برای سنجش سبک نوگرا- نوگرای ساخته شد. پرسشنامه از ۳۳ ماده و ۵ گزینه (بسیار آسان، آسان، نه‌مشکل نه آسان، مشکل و بسیار مشکل) تشکیل شده است. پرسشنامه آزمودنی‌ها را در دو طیف سبک‌شناختی نوگرا و سبک‌شناختی نوگرای نام‌گذاری می‌کند. در پژوهش نوروبی، نیوشا و اسدزاده (۱۳۹۵) همگرایی پرسشنامه با استفاده از همبستگی بین دو مؤلفه نوگرا و نوگرای مورد بررسی قرار گرفت که ضریب مربوطه برابر با ۰/۵۹۳ برآورد گردید. همچنین اعتبار پرسشنامه نیز براساس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید که این شاخص برای سبک نوگرای برابر با ۰/۷۶ و برای سبک نوگرا برابر با ۰/۸۵ و برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۰ به‌دست‌آمد.

پرسشنامه اهمال‌کاری تحصیلی: جهت بررسی اهمال‌کاری تحصیلی از پرسشنامه اهمال‌کاری تحصیلی سولومون و راث‌بلوم^۲ (۱۹۸۴) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۲۷ گویه می‌باشد که ۳ مؤلفه (آماده شدن برای امتحانات، آماده شدن برای تکالیف و آماده شدن برای مقاله‌های پایان‌ترم) را مورد بررسی قرار می‌دهد. لازم به ذکر است در این پژوهش بخش مربوط به خرده‌مقیاس آماده کردن مقالات به دلیل عدم ارتباط به کارهای کلاسی دانش‌آموزان و دور از ذهن بودن آن وارد تحلیل- آماری نشد. روایی پرسشنامه در پژوهش جوکار و دلاورپور (۱۳۸۶) با استفاده از روش تحلیل عاملی محاسبه شد که یافته‌ها بیانگر روایی مطلوب پرسشنامه بود. در پژوهش نامیان و حسینچاری (۱۳۹۰) نیز ضریب پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به‌دست آمده است.

1. Kirtons Adaptor Innevator(KAI)

2. Solomon & Rothblum

پیشرفت تحصیلی: در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی، میانگین نمرات نیمسال اول را به‌عنوان شایستگی‌های عمومی تحصیلی و معدلی را که در آخر نیمسال تحصیلی گزارش می‌شود، را به‌عنوان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود. روایی در این تحقیق از نوع صوری می‌باشد. جهت تعیین روایی، پرسشنامه‌های تحقیق در اختیار اساتید و صاحب‌نظران رشته علوم تربیتی قرار گرفت و پس از بررسی و تأیید مورد استفاده قرار گرفت. جهت برآورد اعتبار پرسشنامه‌ها ابتدا ۳۰ پرسشنامه در اختیار دانش‌آموزان مورد تحقیق قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه سبک‌های شناختی ۰/۸۱ و برای ابعاد سبک‌های شناختی نوگریز و نوگرا به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۸۰ به دست آمد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه اهمال کاری تحصیلی ۰/۸۴ و برای ابعاد آماده شدن برای امتحانات و آماده شدن برای تکالیف به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۸۰ به دست آمد.

۳. یافته‌های پژوهش

برای تحلیل سه فرضیه اول از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۱: نتایج ضریب همبستگی پیرسون سبک‌های شناختی با اهمال کاری تحصیلی و مؤلفه‌های آن و پیشرفت تحصیلی

متغیرها	سبک‌شناختی نوگریز	سبک‌شناختی نوگرا
اهمال کاری تحصیلی	-۰/۶۸۵**	-۰/۲۶۸**
مؤلفه آماده شدن برای امتحانات	-۰/۴۶۶**	-۰/۱۷۰**
مؤلفه آماده شدن برای تکالیف	-۰/۵۴۸**	-۰/۲۲۹**
پیشرفت تحصیلی	۰/۴۷۰**	۰/۰۲۲**

**معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد

بین سبک‌های شناختی نوگریز-نوگرا و اهمال کاری تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. طبق جدول ۱ ضریب همبستگی سبک‌شناختی نوگریز و اهمال کاری تحصیلی برابر با $(r = -0/685)$ و ضریب همبستگی سبک‌شناختی نوگرا و اهمال کاری تحصیلی برابر با $(r = -0/268)$ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معکوس و معنی‌دار است $(P < 0/01)$. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین سبک‌شناختی نوگریز و سبک‌شناختی نوگرا با اهمال کاری تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد.

بین سبک‌های شناختی نوگریز- نوگرا و مؤلفه‌های اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

طبق جدول ۱ ضریب همبستگی سبک‌شناختی نوگریز و مؤلفه آماده‌شدن برای امتحانات برابر با $(r = -0/466)$ و ضریب همبستگی سبک‌شناختی نوگریز و مؤلفه آماده شدن برای تکالیف برابر با $(r = -0/548)$ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معکوس و معنی‌دار است $(P < 0/01)$. بنابراین می‌توان نتیجه‌گرفت بین سبک‌شناختی نوگریز با مؤلفه‌های اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد.

ضریب همبستگی سبک‌شناختی نوگرا و مؤلفه آماده‌شدن برای امتحانات برابر با $(r = -0/170)$ و ضریب همبستگی سبک‌شناختی نوگرا و مؤلفه آماده‌شدن برای تکالیف برابر با $(r = -0/229)$ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معکوس و معنی‌دار است $(P < 0/01)$. بنابراین می‌توان نتیجه‌گرفت بین سبک‌شناختی نوگرا با مؤلفه‌های اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد.

بین سبک‌های شناختی نوگریز- نوگرا و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

طبق جدول ۱ ضریب همبستگی سبک‌شناختی نوگریز و پیشرفت تحصیلی برابر با $(r = 0/470)$ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه مثبت و معنی‌دار است $(P < 0/01)$ ، اما ضریب همبستگی سبک‌شناختی نوگرا و پیشرفت تحصیلی برابر با $(r = 0/022)$ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنی‌داری وجود ندارد $(P > 0/01)$. بنابراین می‌توان نتیجه‌گرفت بین سبک‌شناختی نوگریز و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد اما بین سبک‌شناختی نوگرا با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. سبک‌های شناختی نوگریز-نوگرا می‌توانند اهمال‌کاری تحصیلی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کنند.

برای تبیین پیش‌بینی سبک‌های شناختی نوگریز- نوگرا از اهمال‌کاری تحصیلی در دانش‌آموزان از رگرسیون گام‌به‌گام استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: خلاصه الگوی رگرسیون سبک‌های شناختی برای پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی

گام	متغیر	R	R ² تعدیل شده	F	β	t	sig
۱	سبک‌شناختی نوگریز	۰/۶۸۵	۰/۴۶۴	۸۶/۸۴	-۰/۶۸۵	-۹/۳۱	۰/۰۰۱
۲	سبک‌شناختی نوگریز	۰/۷۲۹	۰/۵۲۲	۵۵/۰۵	-۰/۶۰۷	-۸/۳۳	۰/۰۰۱
	سبک‌شناختی نوگرا				-۰/۲۶۱	-۳/۵۷	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۲ نشان‌دهنده این است که از بین سبک‌های شناختی، در گام اول سبک‌شناختی نوگریز (متغیر پیش‌بین) وارد معادله رگرسیون شده که ۴۶/۴ درصد از اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان (متغیر ملاک) را پیش‌بینی می‌کند ($\beta = -0/685$ ، $t = -9/31$ ، $P < 0/01$). در گام دوم سبک‌شناختی نوگرا ($\beta = -0/261$ ، $t = -3/57$ ، $P < 0/01$) نیز وارد معادله رگرسیون شده که همراه با سبک‌شناختی نوگریز ($\beta = -0/607$ ، $t = -8/33$ ، $P < 0/01$) روی هم توانسته‌اند ۵۲/۲ درصد از اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند. بنابراین ابعاد سبک‌های شناختی توانسته اهمال‌کاری تحصیلی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی نمایند و بر آن تأثیر بگذارند. سبک‌های شناختی نوگریز-نوگرا می‌توانند پیشرفت تحصیلی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کنند. جهت بررسی این فرضیه از رگرسیون گام‌به‌گام استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: خلاصه الگوی رگرسیون سبک‌های شناختی برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی

گام	متغیر	R	R ² تعدیل شده	F	β	t	sig
۱	سبک‌شناختی نوگریز	۰/۴۷۰	۰/۲۱۳	۲۷/۷۵	۰/۴۷۰	۵/۲۶	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۳ نشان‌دهنده این است که از بین سبک‌های شناختی، فقط و به تنهایی سبک‌شناختی نوگریز بیشترین تأثیر را در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بر عهده دارد. چنان‌که در جدول فوق مشاهده می‌شود، در گام اول سبک‌شناختی نوگریز (متغیر پیش‌بین) وارد معادله رگرسیون شده که ۲۱/۳ درصد از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان (متغیر ملاک) را پیش‌بینی می‌کند ($\beta = 0/470$ ، $t = 5/26$ ، $P < 0/01$). بنابراین از بین سبک‌های شناختی، فقط سبک‌شناختی نوگریز بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بیشترین تأثیر را داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تعیین رابطه بین سبک‌های شناختی نوگریز- نوگرا با اهمال‌کاری تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در بین دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهر زابل انجام گرفت. فرضیه اول پژوهش این بود که بین سبک‌های شناختی نوگریز- نوگرا و اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتایج بیانگر این بود که بین سبک‌شناختی نوگریز و نوگرا با اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معکوس و معنی‌داری وجود داشت ($P < 0/01$). نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش‌های اسدزاده (۱۳۹۷)، خرمائی و زابلی (۱۳۹۷)، شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۶)، نوروزی و همکاران (۱۳۹۵)، چراغی‌نیا (۱۳۹۳) و شامخی و شامخی (۱۳۹۷) در برخی جهات هماهنگی و همخوانی دارد. اما با نتایج رضانی (۱۳۹۸) و سزالی (۲۰۲۰) در برخی جهات همخوانی نداشت. چراغی‌نیا (۱۳۹۳) در مقاله‌ای دریافت که همزمان با افزایش سبک‌شناختی نوگریز یا پذیرنده و نوگرا

یا پژوهنده، تأخیر رضامندی و اهمال کاری تحصیلی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد و برعکس. دانش‌آموزانی که از سبک‌شناختی نوگریز در انجام تکالیف مدرسه و آموزش‌های معلمان یا حتی آموزش‌های غیردرسی مانند دریافت، ذخیره‌سازی، پردازش و انتقال اطلاعات برخوردارند، اهمال-کاری کمتری را در تحصیلات خود بروز می‌دهند. زیرا این گروه از افراد تمایل دارند کارها و وظایف خود را همواره به نحو بهتری انجام دهند فضا و بستر مسائل موجود را پذیرفته و در ارائه راه‌حل و تصمیم‌گیری‌ها غالباً شیوه‌های معمول را اتخاذ می‌کنند. همچنین دانش‌آموزانی هستند که از سبک‌شناختی نوگرا استفاده می‌کنند در انجام تکالیف مدرسه و آموزش‌های معلمان می‌کوشند با نوآوری، کارها را به گونه‌ای متفاوت انجام دهند، زمینه مسائل موجود را به چالش بکشند و سعی می‌کنند راه‌حل‌های تازه ارائه دهند. بنابراین چنین می‌توان تبیین نمود، دانش‌آموزانی که از سبک‌های شناختی نوگریز-نوگرا استفاده می‌کنند اهمال کاری تحصیلی آنها کاهش پیدا می‌کند و برعکس.

فرضیه دوم پژوهش این بود که بین سبک‌های شناختی نوگریز-نوگرا و مؤلفه‌های اهمال کاری تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتایج نشان داد که بین سبک‌شناختی نوگریز و نوگرا با مؤلفه‌های اهمال کاری تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معکوس و معنی‌داری وجود داشت ($P < 0.01$). نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش‌های رشیدزاده (۱۳۹۸)، بکلین (۲۰۱۷)، خرمانی و زابلی (۱۳۹۷)، شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۶)، چراغی‌نیا (۱۳۹۳) و شامخی و شامخی (۱۳۹۷) در برخی جهات هماهنگی و همخوانی دارد. شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۶) در بررسی اثربخشی آموزش‌های راهبردی سبک‌های شناختی و فراشناختی بر اهمال کاری تحصیلی دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی پایین متوسطه دوم شهر اردبیل دریافت که آموزش‌های راهبردی یادگیری شناختی و فراشناختی در کاهش اهمال کاری تحصیلی دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی پایین اثربخش است. همچنین خرمانی و زابلی (۱۳۹۷) در بررسی رابطه بین سبک‌های شناختی و اهمال کاری تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی نقش میانجی خودکارآمدی تحصیلی شهر زابل دریافتند که از طریق شناسایی سبک‌های شناختی دانش‌آموزان می‌توان در راستای بهبود و افزایش خودکارآمدی آنها اقدام کرد که نتیجه آن کاهش اهمال-کاری دانش‌آموزان خواهد بود. دانش‌آموزانی که سبک‌شناختی نوگریز دارند در زمان انجام تکالیف و امتحان؛ (۱) برای انجام هر چه بهتر کارها دغدغه فراوان دارند؛ (۲) برای حل مسائل می‌کوشند تا طرح مسئله؛ (۳) قابل اعتماد و سازمان یافته و منضبط‌اند؛ (۴) رویکردی روشن و هدفمند به تکالیف دارند؛ (۵) متفکر و همگرا هستند؛ (۶) شیوه‌ها و ساختارهای اثبات شده را دنبال می‌کنند و (۷) عمدتاً تأیید کننده هستند و با احتیاط قواعد و قوانین را به چالش می‌کشند. همچنین دانش‌آموزانی که سبک‌شناختی نوگرا دارند در زمان انجام تکالیف و امتحان؛ (۱) به گوناگونی و تنوع در انجام کارها می‌اندیشند؛ (۲) برای یافتن مسائل تازه تلاش می‌کنند تا صرفاً حل خود مسأله؛ (۳) رویکردی تصادفی و نامنظم به تکالیف دارند؛ (۴) متفکر و اگر هستند؛ (۵) به موقعیت‌های ساختار یافته گرایش-دارند؛ (۶) بیشتر اهل چالش‌اند تا تأیید کننده و (۷) آرمان‌گرا و غیرقابل پیش‌بینی‌اند (چراغی‌نیا،

۱۳۹۳). بنابراین چنین می‌توان تبیین نمود، دانش‌آموزانی که از سبک‌های شناختی نوگریز و نوگرا استفاده می‌کنند اهمال‌کاری تحصیلی آنها در زمینه امتحانات و تکالیف کاهش پیدا می‌کند و برعکس.

فرضیه سوم پژوهش این بود که بین سبک‌های شناختی نوگریز-نوگرا و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتایج مشخص شد که بین سبک‌شناختی نوگریز و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/01$) اما بین سبک‌شناختی نوگرا با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود ندارد ($P > 0/01$). نتایج این فرضیه با نتایج رویین و عاصمیان (۱۳۹۵) در برخی جهات هماهنگی و همخوانی ندارد. رویین و عاصمیان (۱۳۹۵) در بررسی رابطه سبک‌های شناختی با مؤلفه‌های یادگیری خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه (پایه دهم) شهرستان تبریز دریافتند که بین سبک‌های شناختی با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. نظام آموزشی را زمانی می‌توان کارآمد و موفق دانست که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان آن در مقاطع مختلف بیشترین و بالاترین رقم را داشته باشد. دانش‌آموزان به واسطه موفقیت در تحصیل می‌توانند به موقعیتی دست یابند که از حداکثر نیروی درونی و بیرونی خود برای دستیابی به اهداف آموزش عالی استفاده نموده و شرایط لازم برای زندگی اجتماعی موفق را کسب‌کنند. برعکس، عدم موفقیت در تحصیل، زمینه‌ساز مشکلات فردی و اجتماعی بسیار و انحراف از دستیابی به اهداف سیستم آموزشی است (طیبی و همکاران، ۱۳۹۲). از این رو هر نظام آموزشی باید بتواند عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی را شناسایی و آن‌ها را به گونه‌ای تنظیم و هدایت کند تا به شناخت دانش‌آموزان منجرشود (الکساندر و آنوگبازی، ۲۰۰۷). از سویی دیگر آگاهی از سبک‌های شناختی یادگیرندگان، برای ساختار و سازمان‌دهی محتوی آموزشی، انتخاب و استفاده از روش‌های آموزشی، تعیین فعالیت‌های یادگیری و چگونگی ارزشیابی از آموخته‌های یادگیرندگان نقش بسزایی دارد. با توجه به یافته‌های این فرضیه چنین می‌توان تبیین نمود با افزایش سبک‌شناختی نوگریز در دوران تحصیل، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نیز افزایش پیدا می‌کند و برعکس. اما سبک‌شناختی نوگرا در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دخالتی نداشته است.

فرضیه چهارم پژوهش این بود که ابعاد سبک‌های شناختی می‌تواند اهمال‌کاری تحصیلی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کند. نتایج نشان دهنده این بود که ابعاد سبک‌های شناختی توانسته اهمال‌کاری تحصیلی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی نمایند ($P < 0/01$). نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش‌های مصرآبادی و گزیدری (۱۳۹۸)، درستی و زارعی (۱۳۹۸) و گراند و فرایس (۲۰۱۸) در برخی جهات هماهنگی و همخوانی دارد. درستی و زارعی (۱۳۹۸) در تحقیقی دریافتند که آموزش راهبردهای خودتنظیمی و افزایش عزت‌نفس در دانش‌آموزان دختر می‌تواند نقش مؤثری در کاهش اهمال‌کاری تحصیلی آنان داشته باشد. اهمال‌کاری تحصیلی به معنی تأخیر عمدی در انجام تکالیف

و موضوعات تحصیلی و به تعویق انداختن آنها تا دقیقه آخر تعریف شده است که با پیامدهای منفی زیادی همراه می‌باشد (ولی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲). از طرفی سبک‌شناختی نوگریز و نوگرا که بر سبک تصمیم‌گیری و حل مسأله دانش‌آموزان اشاره دارد یکی از این عواملی است که باعث می‌شود تا دانش‌آموزان به‌طور فعال دانش را خلق کنند و بر تکالیف خود تمرکز داشته‌باشند و از برنامه‌ریزی‌های خودنظارتی و خودنظم‌دهی از جمله تنظیم زمان و تنظیم محیط مطالعه، تلاش و کمک‌خواستن و یادگیری دو جانبه به‌طور مناسب و مستمر استفاده‌کنند (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین براساس نتایج فرضیه می‌توان تبیین نمود که ابعاد سبک‌های شناختی نوگریز و نوگرا هر یک توانسته‌اند اهمال‌کاری تحصیلی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی نمایند و بر آن تأثیر بگذارند و باعث کاهش اهمال‌کاری تحصیلی شوند.

فرضیه پنجم این بود که ابعاد سبک‌های شناختی می‌تواند پیشرفت تحصیلی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کند. نتایج نشان دهنده این بود که از بین سبک‌های شناختی، فقط و به تنهایی سبک‌شناختی نوگریز بیشترین تأثیر را در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان برعهده دارد ($P < 0/01$). نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش‌های برازنده و زارعی (۱۳۹۹)، سزالی (۲۰۲۰)، رویین و عاصمیان (۱۳۹۵)، هان و لو (۲۰۱۷)، نقوی (۱۳۹۶) و غلامی‌پور (۱۳۹۶) در برخی جهات هماهنگی و همخوانی دارد و با پورعبدل و همکاران (۱۳۹۸)، مرادیان (۱۳۹۵) و نارسیم‌خان (۲۰۱۸) هماهنگی و همخوانی ندارد. سزالی (۲۰۲۰) در بررسی خود دریافت که سبک‌شناختی و جنسیت تا چه اندازه می‌تواند پیشرفت دانش‌آموزان را در خلاصه‌نویسی پیش‌بینی کند و همچنین نتایج نشان داد که سبک‌شناختی و جنسیت پیش‌بینی‌کننده پیشرفت دانش‌آموزان در نوشتن خلاصه است. معلمان تشویق می‌شوند تا از طریق دانش متغیرهای مربوط به یادگیرنده، آموزش را به صورت فردی تنظیم کنند. مفهوم پیشرفت تحصیلی از مفاهیم بسیار اساسی روانشناسی تربیتی است. پیشرفت تحصیلی طبق آخرین تعریف‌های موجود به مقدار دانش و مهارت‌های به‌دست‌آمده توسط دانش‌آموز در دوره‌های متعدد تحصیلی گفته می‌شود (انال و هریسون، ۲۰۱۳). از سویی دیگر، سبک‌شناختی یکی از مباحثی است که به تفاوت‌های فردی در جریان یادگیری اشاره دارد و با ورود آن به ادبیات روانشناسی تعاریف گوناگونی برای آن ارائه شده است و ویژگی‌های شخصیتی را شامل می‌شود که سبب تفاوت افراد از یکدیگر می‌شود. براساس نتایج سؤال می‌توان تبیین نمود که، فقط سبک‌شناختی نوگریز توانسته پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند بر آن تأثیر بگذارد و باعث افزایش پیشرفت تحصیلی شود.

به‌طور کلی یافته‌ها نشان داد بین سبک‌های شناختی نوگریز- نوگرا با اهمال‌کاری تحصیلی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهر زابل رابطه معکوس و معنی‌داری وجود داشت. همچنین بین سبک‌شناختی نوگریز و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌داری مشاهده

گردید اما بین سبک‌شناختی نوگرا و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود نداشت. در نتایج آزمون رگرسیون گام‌به‌گام مشخص شد که ابعاد سبک‌های شناختی می‌توانند اهمال‌کاری تحصیلی را پیش‌بینی کنند و همچنین از بین سبک‌های شناختی، فقط سبک‌شناختی نوگریز بیشترین تأثیر را بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان برعهده‌داشت.

در مورد محدودیت‌های این پژوهش می‌توان بیان کرد که این پژوهش روی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر زابل انجام شده است و نمی‌توان نتایج به‌دست‌آمده را به شهرها و مقاطع دیگر تحصیلی تعمیم‌داد. با توجه به این محدودیت پژوهش پیشنهاد می‌شود که این پژوهش در مقاطع تحصیلی دیگر و در مناطق دیگر نیز اجرا شود. همچنین با توجه به نتایج پژوهش حاضر و پیش‌بینی‌کنندگی سبک‌های شناختی در اهمال‌کاری تحصیلی و پیشرفت تحصیلی، پیشنهاد می‌شود ادارات آموزش و پرورش و مدارس با برگزاری دوره‌های آموزش سبک‌های شناختی و اهمال‌کاری تحصیلی برای دانش‌آموزان، اولیاء و معلمان، آن‌ها را با جنبه‌های مثبت و منفی سبک‌های شناختی نوگریز و نوگرا آشنا سازند تا از این طریق بتوانند فعالیت‌های تحصیلی را بهبود بخشند و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان خود را افزایش دهند.

سپاسگزاری

این مقاله بخشی از پایان‌نامه مصوب دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان است. بدینوسیله از همکاری اساتید رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان، همکاران اداره آموزش و پرورش شهر زابل، مدیران مدارس و کلیه دانش‌آموزانی که در این پژوهش شرکت داشتند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

منابع

- اسدزاده، حسن. (۱۳۸۴). *آموختن و سبک‌شناختی*. چاپ اول. تهران: نشر عابد.
- اسدزاده، حسن. (۱۳۹۲). «سبک‌شناختی، هیجان تحصیلی و عملکرد درسی در دانشجویان». *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*. ۷(۲)، ۷۹-۹۶.
- اسدزاده، حسن. (۱۳۹۷). «پیش‌بینی عملکرد درسی دانشجویان براساس سبک‌های شناختی و اهمال کاری تحصیلی». *نشریه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۱۱(۱)، ۳۱-۳۹.
- اسلاوین، رابرت ای. (۱۳۹۳). *روان‌شناسی تربیتی: نظریه و کاربرد*. ترجمه: یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر روان.
- برازنده، لیلا و زارعی، حیدرعلی. (۱۳۹۹). «بررسی تفاوت نگرش تحصیلی و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس حضور یا عدم حضور در کلاس‌های کنکور مدارس شهرستان ماکو». *فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، ۱۰(۲۹)، ۳۵-۵۹.
- پورعبدل، سعید؛ صبحی قراملکی، ناصر؛ قائدی، غلامحسین و نبی‌دوست، علیرضا. (۱۳۹۸). «اثر بخشی آموزش تنظیم هیجان بر کاهش فرسودگی و اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری خاص». *دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*. ۷(۱۳)، ۴۹-۶۸.
- جوکار، بهرام و دلاوری، محمداقا. (۱۳۸۶). «رابطه تعلق‌ورزی آموزشی با اهداف پیشرفت». *نشریه مطالعات روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز*، ۳(۴-۳)، ۶۱-۸۰.
- چراغی‌نیا، سعید. (۱۳۹۳). *بررسی رابطه بین سبک‌های شناختی نوگریز-نوگرا با تأخیر رضامندی و اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهرستان آبدانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- حبیبی، یاسر؛ بشرپور، سجاد؛ فلاحی، وحید و صفایی، آسیه. (۱۳۹۴). «رابطه خلاقیت هیجانی و سبک‌های یادگیری با انگیزش پیشرفت تحصیلی». *اولین همایش علمی پژوهشی روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب‌شناسی جامعه*. کرمان.
- حسینی نسب، سید داود؛ روئین، حسین و سلطان‌الفضایی، خلیل. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه سبک‌های شناختی (شیوه‌های یادگیری) با عوامل شخصیتی دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز». *فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، سال اول، شماره ۲ و ۳، ۷۸-۱۲۱.
- خرمائی، فرهاد و زابلی، مصطفی. (۱۳۹۷). «بررسی رابطه بین سبک‌های حل‌مسأله و اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی: نقش میانجی خودکارآمدی تحصیلی». *دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۶(۱۰)، ۱۷-۳۸.
- خزایی، لیدا. (۱۳۹۱). *بررسی رابطه بین هوش هیجانی و اهمال‌کاری تحصیلی در دانشجویان شهرستان کوهدهشت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز واحد بین‌الملل.

- درستی، حبیبه و زارعی، حیدرعلی. (۱۳۹۸). «بررسی رابطه خودتنظیمی و عزت‌نفس با اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر خوی». *دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۱۲(۷)، ۶۹-۸۵.
- رشیدزاده، عبدالله. (۱۳۹۸). «اثربخشی بسته آموزشی خودتنظیمی فراشناختی بر مؤلفه‌های اهمال‌کاری تحصیلی (با نقش تعدیلی خودپنداره تحصیلی)». *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۱۸(۷۲)، ۱۳۷-۱۵۴.
- رضائی، رضا. (۱۳۹۸). *رابطه بین سبک‌های شناختی، راهبردهای شناختی و فراشناختی با خودارزشمندی دانش‌آموزان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزش عالی سبز.
- رویین، حسین و عاصمیان، فهیمه. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه سبک‌های شناختی با مؤلفه‌های یادگیری خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه (پایه دهم)». *کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و رفتاری*، دوره ۱.
- ستایشی‌اظهري، محمد؛ میرنسب، میرمحمد و محبی، مینا. (۱۳۹۶). «رابطه امیدواری و پیشرفت تحصیلی با نقش میانجی‌گری اهمال‌کاری تحصیلی در دانش‌آموزان». *نشریه علمی-پژوهشی آموزش و ارزشیابی*، ۱۰(۳۷)، ۱۲۵-۱۴۲.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۹). *روانشناسی پرورشی*، چاپ هفتم و دوم. تهران: انتشارات آگاه
- شامخی، سمیه و شامخی، نجمه. (۱۳۹۷). «نقش بهزیستی روانشناختی و کفایت اجتماعی در پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی در بین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شیراز». *کنفرانس بین‌المللی دانشگاه شیراز*.
- شیخ‌الاسلامی، علی. (۱۳۹۶). «اثربخشی آموزش راهبردهای یادگیری شناختی و فراشناختی بر اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی پایین». *فصلنامه روانشناسی مدرسه*، ۶(۳)، ۶۵-۸۴.
- طیبی، مریم؛ احمدی طهران، هدی؛ سلطان‌عربشاهی، سید کامران؛ حیدری، سعیده؛ عبدی، زهرا و صفایی‌پور، روح‌الله. (۱۳۹۲). «ارتباط سلامت معنوی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم». *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، ویژه‌نامه آموزشی*، ۷(۲)، ۷۲-۷۸.
- غلامی‌پور، مزگان. (۱۳۹۶). *رابطه امید تحصیلی با پیشرفت تحصیلی و انگیزه تحصیلی با نقش واسطه‌ای خوش‌بینی تحصیلی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- کدیور، پروین. (۱۳۹۸). *روانشناسی تربیتی*. چاپ نوزدهم. تهران: سمت.
- مرادیان، راضیه. (۱۳۹۶). *تدوین مدل علی تنیدگی با پیشرفت تحصیلی با تأکید بر متغیرهای واسطه‌ای درگیری، فرسودگی خودکارآمدی تحصیلی در بین دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهرستان داراب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور شیراز.
- مصراآبادی، جواد و گزیدری، ابراهیم. (۱۳۹۸). «فراتحلیل رابطه بین راهبردهای یادگیری خودنظم‌جویی و اهمال‌کاری تحصیلی». *فصلنامه علمی و پژوهشی روانشناسی تحولی*، ۱۵(۵۹)، ۲۴۹-۲۶۰.

- مؤمنی مهمویی، حسین و جلالی بارزازی، سعید. (۱۳۹۵). «رابطه خوش بینی تحصیلی معلمان با ادراک حمایت اجتماعی، انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان». *دوماهنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۷(۲۶)، ۱۸۱-۲۰۰.
- نامیان، سارا و حسینچاری، مسعود. (۱۳۹۰). «تبیین اهمال کاری تحصیلی دانشجویان بر اساس باورهای مذهبی و هسته کنترل». *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۸(۱۴)، ۹۹-۱۲۸.
- نقوی، نسترن. (۱۳۹۶). «تأثیر آموزش هوش هیجانی بر فعالیت تحصیلی، انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستان های دخترانه شهر بروجرد». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان.
- نوروزی، فریده؛ نیوشا، بهشته و اسدزاده، حسن. (۱۳۹۵). «رابطه سبک های شناختی (نوگرا و نوگریز) با هیجان های تحصیلی (مثبت) در دانشجویان دختر». *دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه*، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل.
- ولی زاده، زهرا؛ احدی، حسن؛ حیدری، محمود؛ مظاهری، محمدمهدی و کجیاف، محمدباقر. (۱۳۹۲). «بررسی اثربخشی بسته آموزشی کاهش اهمال کاری بر افزایش پیشرفت تحصیلی و کاهش اهمال کاری تحصیلی دختران دانشجوی دوره کارشناسی». *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۲(۴)، ۱۰۵-۱۲۸.
- Alexander, E. & Onwuegbuzie, A. (2007). "Academic procrastination and the role of hope as a coping strategy". *Personality and Individual Differences*, 42(7), 1301-1310.
- Bekleyen, N. (2017). "Understanding the Academic Procrastination Attitude of Language Learners in Turkish Universities". *Educational Research and Reviews*, 12(3), 108-115.
- Grund, A. & Fries, S. (2018). "Understanding procrastination: A motivational approach". *Personality and Individual Differences*, 121, 120-130.
- Han, J. & Lu, Q. (2017). "Correlation Study among Achievement Motivation, GoalSetting and L2 Learning Strategy in EFL Context". *English Language Teaching*, 11(2), 5-14.
- Kirton, M. J. (1989). *Adaptors and innovators: Style of creativity and problem solving*. London routledge.
- Kirton, M. J. (1999). *Kirton Adaption-Innovation Inventory manual (3rd ed.)*. Berkhamsted, UK: Occupational Research Centre
- Kirton, M. J. (2003). *Adaption-Innovation in the context of diversity and change*. East Sussex: Routledge.
- Klassen, R., Krawchuk, L. & Rajani, S. (2008). "Academic procrastination of undergraduates: Low self-efficacy to selfregulate predicts higher levels of procrastination". *Contemporary Educational Psychology*, 33(4), 915-931.
- Narasimhan, P. (2018). "Self- Concept and Achievement Motivation as a Predictor of Academic Stress among High School Students of ICSE Bord, Chennai". *The International Journal of Indian Psychology*, 6(3), 151-161.
- O'Neale, L. & Harrison, S. (2013). "An Investigation of the Learning styles and Study Habits of Chemistry Undergraduates in Barbados and their Effect as

- Predictors of Academic Achievement in Chemical Group Theory". *Journal of Educational and Social Research*, 3(2), 107-122.
- Onyekuru, B. U. (2015). "Field dependence-field independence cognitive style, gender, career choice and academic achievement of secondary school students in Emohua local government area of rivers state". *Journal of Education and Practice*, 6(10), 76-85.
- Ridgell, S. D. & Lounsbury, J. W. (2004). "Predicting academic success: general intelligence, Big Five personality traits, and work drive". *College Student Journal*, 38(4), 607-618.
- Riding, R. (2002). *School Learning and Cognitive style*. London: David Fulton.
- Smith, E. S. (2001). "The relationship between learning style and cognitive style". *Journal of Personality and Individual Differences*, 30(4), 609-616.
- Solomon, L. J. & Rothbhum, E. (1984). "Academic procrastination: frequency and cognitive – behavioral correlates". *Journal of counseling psychology*, 31(4), 503-209.
- Steel, P. (2007). "The nature of procrastination: a meta-analytic and theoretical review of quintessential self-regulatory failure". *Psychological Bulletin*, 133(1), 65-94.
- Szalay, P. S. & Olagbaju, O. (2020). "Cognitive Styles and Gender as Predictors of Students Achievement in Summary Writing in Selected Secondary Schools in Ibadan, Nigeria". *Education Research International*, (4), 1-9.
- Witkin, H. A., Goodenough, D. R. & Oltman P. K. (2003). "Psychological differentiation: Current status". *Journal of Personality and Social Psychology*. 37(7), 1127-1145.